



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۹، زمستان ۱۳۹۹

www.qpjournal.ir

ISSN : 2645-6478

«بررسی سبک‌شناختی اشعار مهدی اخوان ثالث»

مهین زنده دل^۱

دکتر سید محمود رضا غیبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

از ص ۲۱ تا ص ۴۷

DOR : <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26456478.1399.3.4.2.8>

چکیده

یکی از راه‌های تشخیص سبک و تمایز آن‌ها، بررسی ویژگی‌های زبانی و معنایی و ادبی و فکری یک اثر است. اخوان ثالث یکی از تابناک‌ترین چهره‌های شعر معاصر، با توشه‌ای پر بار از ادبیات کلاسیک به شعر نیمایی روی آورد و به متعصبان کهنه پرست ثابت نمود که پرداختن به صورت و قالبی نو و بدیع، از عجز شاعر در سرودن شعر به سیاق شاعران قدیم ناشی نمی‌شود. در این پژوهش، به بررسی دستاوردهای بی‌بدیل و گنجینه ارزشمند این شاعر خراسانی پرداخته شد و پس از بررسی «مجموعه اشعار مهدی اخوان ثالث» در سطوح مختلف زبانی، فکری و ادبی، بارزترین ویژگی‌های سبکی اشعارش با ذکر نمونه‌های موجود، مورد بررسی و طبقه‌بندی سبک‌شناسانه قرار گرفت. باستان‌گرایی و استفاده از واژگان اصیل فارسی، ترکیب‌سازی‌های بدیع و نو، استفاده از زبان نمادین، تأثیرپذیری از سبک خراسانی، استفاده مناسب و دقیق از صنایع بدیعی و لحن حماسی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک شعری این شاعر سترگ معاصر بودند.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، اخوان ثالث، شعر معاصر، سطح فکری، سطح زبانی، سطح ادبی.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

^۱ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، مرند، ایران. // m.zendedel50@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، مرند، ایران. // ma_gheibi@yahoo.com



۱- مقدمه

یکی از راه‌های شناخت و التذاذ از متون ادبی، آشنایی علمی و هنری با اصطلاح سبک ادبی است. با توجه به وسعت دامنه تحقیقات و تعاریف و نظریات در این مورد، تقریباً ارائه تعریف جامع و مانع در این زمینه ناممکن است؛ بنابراین با مروری بر تعاریف مهم و برجسته صاحب نظران در این باره سعی می‌کنیم اولاً به نتیجه‌گیری خلاصه از تعاریف مورد اتفاق اکثر علما برسیم و سپس با استفاده از آن به بررسی علمی و ویژگی‌های خاص و برجسته شعر اخوان ثالث، که در متن کامل ده کتاب شعر او منعکس شده، پردازیم.

« مهدی اخوان ثالث، متخلص به «م. امید»، به سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در مشهد دیده به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان جا گذراند و از سال ۱۳۲۶ به تهران آمد و کار خود را با معلمی آغاز کرد. زندگی شعری او مثل زندگی تاریخی اش؛ در تلاطم امواج خروشان سپری شد. از مهاجرت به تهران گرفته تا پیوستن به صف حامیان مصدق و زندانی شدن پس از شکست نهضت ملی تا روزهای انقلاب اسلامی که کورسوی امیدی در دلش پدیدار گشت، تا سال‌های یأس و تنهایی و اندوه. او بارها و بارها طعم تلخ زندان را چشید و یک‌بار نیز به حومه کاشان تبعید شد. بعد از آزادی از زندان، در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی به کار در رادیو پرداخت و مدتی بعد به تلویزیون خوزستان منتقل شد. کتاب «ارغنون»، مجموع حالات و روحیات دوران جوانی و سودای یار و دلدار است. «آخر شاهنامه» و «زمستان» شاهکار ادبی شاعر و اوج هنری او بعد از شکست ملی است. «از این اوستا» حاصل دوران یأس فلسفی شاعر است. کتاب‌های «در حیاط کوچک پاییز، در زندان» و «زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست» و «دوزخ، اما سرد...» اشعاری است که حاصل حرکت‌های اجتماعی، حول و حوش انقلاب اسلامی و نشئت یافته از روح امیدواری اوست. «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» اشعار بین سال‌های ۶۰-۶۹ بود که شاعر دوباره به شعر سنتی روی آورد. این آثار، به همراه «منظومه بلند سواحلی و خوزیات» و مجموعه «سال دیگر، ای دوست، ای همسایه...» در مجموعه‌ای دوجلدی توسط انتشارات زمستان به چاپ رسیده است. (زرقانی، ۱۳۸۴: ۴۲۵)

سرانجام اخوان ثالث، در چهارم شهریور ۱۳۶۹ هجری خورشیدی قلم بر زمین نهاد و با دنیای شعر و ادب وداع کرد، اما شعر و آثار ماندگارش، او را برای همیشه در تاریخ ادبیات این مرزوبوم جاودانه ساخت. برای ورود به بحث سبک‌شناسی، لازم است ابتدا به برخی از تعاریف سبک‌شناسی پردازیم. سمیعی گیلانی، سبک را این گونه تعریف می‌کند: «سبک، در اصطلاح ادبیات، عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی، وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء می‌کند و خود شامل دو موضوع است: فکر یا معنی، صورت یا شکل. سبک‌شناسی به جنبه‌های فردی اثر توجه دارد،



اما برای آنکه سبک دوره‌هایی را مشخص سازد، باید از سویی مشترکات آثار ادبی اصیل و غالب آن دوره را بیابد و از سویی دیگر در مقایسه با مشترکات آثار دوره‌های دیگر، آن‌ها را متمایز سازد. (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۶: ۵۵)

شفیعی کدکنی به بحث انحراف از نرم توجه دارد: «هیچ سبکی را جز از طریق مقایسه نرم و درجه انحراف آن از نرم نمی‌توان تشخیص داد و در یک کلام، سبک یعنی انحراف از نرم و در مطالعه نرم و انحراف از آن، بودن یا نبودن یک عنصر یا چند عنصر آن قدر اهمیت ندارد که «بسامد» آن عنصر یا عناصر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۸-۳۹)

ایران زاده به بررسی آراء سبک شناسان دوره صفویه و معاصر پرداخته است: «در اشعار سبک هندی، اشارات متعددی به سبک و شیوه ادا و طرز غریب شده است که بعضاً با آرای صورت‌گرایان به‌ویژه در باب آشنایی‌زدایی و غریب‌سازی قابل‌سنجش است. علاوه بر این در کتاب‌ها و تذکره‌های این دوره و متون شعری و رساله‌ها، اصطلاحات مترادفی مانند طرز، روش، شیوه، اسلوب، طریق، طور و... به میزان چشمگیری به‌کاررفته است که همگی مفهومی معادل با سبک (Style) دارند.» (ایران زاده، ۱۳۹۰: ۴)

شمیسا، به سه سطح در سبک‌شناسی توجه دارد: «شمیسا، هر اثر ادبی را از سه جهت یا در سه سطح بررسی می‌کند: ۱- سطح زبانی: شامل الف: سطح لغوی، بررسی لغات فارسی دخیل، کهن‌گرایی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم معنی یا ذات، نوع‌گزینش واژه، نوع صفت ب: سطح آوایی، موسیقی بیرونی و درونی و مسائل کلی تلفظ و ج: سطح نحوی، کوتاه یا بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری و جوه افعال و... ۲- سطح فکری: درون‌گرا یا بیرون‌گرا بودن اثر، شادی‌گرایی و غم‌گرایی، خرد‌گرایی و عشق‌گرایی، نگرش فلسفی، عرفانی و کلامی شاعر و نویسنده، گرایش‌های ملی و مذهبی و... ۳- سطح ادبی: مسائل علم بیان و بدیع معنوی و علم معانی...» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳-۱۵۸)

مبنای کار ما در این پژوهش، بررسی سه سطح زبانی، فکری و ادبی در اشعار «مهدی اخوان ثالث» است و کوشیده‌ایم تا جنبه‌های مختلف سبک‌شناختی این شاعر سترگ ادبیات معاصر را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. در این پژوهش، تقسیم‌بندی‌ها بر اساس نظریه شمیسا انجام گرفته است؛ اما در بررسی زیرمجموعه‌های هر سطح، از نظریات زبان‌شناسی لیچ و صفوی و شفیعی کدکنی و... نیز بهره گرفته شده است و در کل پیوندی بین زبان‌شناسی و ادبیات برقرار شده است که همگی زیر مجموعه سبک‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به صورت مستقل، درباره سبک‌شناسی و آثار نثر اخوان ثالث، نوشته شده است که پرداختن به آن زمینه‌ها، در این مجال میسر نیست ولی به اجمال، مواردی ذکر می‌شود: حسین پور جافی، (۱۳۸۷) در کتاب «جریان‌های شعری معاصر فارسی» به برخی از ویژگی‌های شعری اخوان ثالث، از دیدگاه خود و سایر صاحب‌نظران پرداخته است. همچنین (بهار، ۱۳۸۹) در کتاب «سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی» برای حوزه سبک‌شناسی، روایات اساطیری و داستان‌پردازی، به برجسته‌ترین ویژگی‌های شعر اخوان، از لحاظ روایی و تلمیحات حماسی مطالبی آورده است. کریمی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی روایت در شعر اخوان ثالث (با تأکید بر نقد روایی نشانه‌ها)» به بررسی سبک‌شناختی روایت و سمبولیسم اجتماعی در اشعار وی پرداخته‌اند. یانس، (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در سبک شعر مهدی اخوان ثالث»، به بررسی ویژگی‌های سبکی شعر اخوان به صورت کلی پرداخته است. در این پژوهش، که بیشتر جنبه توصیفی دارد، به چند نمونه از آرایه‌های موجود در شعر اخوان و نقل‌قول‌هایی در تحسین شعر ایشان پرداخته شده است و به بررسی جزئیات سبکی و دلایل استفاده از آن‌ها پرداخته نشده است. همچنین در این پژوهش فقط پنج دفتر شعر اخوان مورد مطالعه قرار گرفته و تمامی آثار ایشان مورد بررسی قرار نگرفته است. علی‌رغم شباهت عنوان این مقاله با پژوهش حاضر، در روش کار و پرداختن به جزئیات تمامی اشعار اخوان تفاوت‌های زیادی با هم دارند. عاصی و نوبخت (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آنگاه پس از تندر) رویکردی نقش‌گرا، به تحلیل سبک‌شناسی نقش‌گرا در مجموعه پس از تندر اخوان پرداخته‌اند. در کل، با وجود تمام پژوهش‌های موجود، در این پژوهش بر آنیم تا با یک نگاهی کامل به مجموعه آثار اخوان ثالث، برجسته‌ترین ویژگی‌های سبکی این شاعر سترگ معاصر را تبیین و بررسی کنیم.

۳- روش‌شناسی پژوهش:

روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای است و یافته‌های پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده‌اند که ابتدا مجموعه آثار اخوان ثالث، مورد مطالعه قرار گرفت و نمونه‌های موجود از حیث سبک‌شناسی، فیش‌برداری گردید و پس از طبقه‌بندی، با مراجعه به کتب و مقالات و سایر منابع اطلاعاتی، به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شد.

۴- بررسی سبک‌شناختی اشعار اخوان ثالث

در بررسی سبک‌شناختی اشعار اخوان، حوزه‌های مختلف سبکی را می‌توان مورد مطالعه قرار داد. حوزه زبان که شامل زیرمجموعه‌های زیادی چون استفاده از واژگان، ساختار نحوی، آوایی که بر آهنگ کلام تأثیر می‌گذارند، ترکیب‌سازی، قالب‌های شعری و... است. حوزه فکری که شامل موضوعات و مباحث شعری است و حوزه ادبی که شامل آرایه‌های مختلف لفظی و معنوی و نحوه و بسامد استفاده از آن‌هاست.



(عبارات مشخص شده از لحاظ ادبی و لغوی با بقیه بیت متناسب نیستند که نوعی اضطراب سبک، در آن‌ها دیده می‌شود.)

۴-۱-۱-۳- بسامد واژگانی

بسامد یا فراوانی و کثرت کاربرد یک واژه در شعر از دیدگاه سبک‌شناسی می‌تواند نشانگر مسائل زیادی باشد و سبک‌شناسان با بررسی بسامد کلمات در شعر شاعران نتایج متعددی از آن‌ها می‌گیرند به‌عنوان مثال استفاده از کلمات خاص چه تأثیری در ایجاد آهنگ در شعر می‌تواند داشته باشد یا کثرت کاربرد کلمات خاص در محیط زندگی شاعر چه دلایلی دارد و یا استفاده از بعضی کلمات چه تأثیری بر روی شنونده می‌تواند داشته باشد.

الف: واژگان عربی

هرچند اخوان از نظر فکری، گرایش شدید به فرهنگ و آیین ایران باستان دارد و «ره آزادگر مزدشت را می‌پوید» و با عرب و تازی میانه خوبی ندارد و می‌گوید: «خوک عرب چگونه کند ادراک / سر سرود اوستا را» اما بسیاری از لغات و ترکیبات و عبارات عربی، آن‌هم نمونه‌های دور و دشوار، را در اشعار خویش به کار برده است. و گویا؛ بیانگر آن است که شاعر هدفش از این کار هنرنمایی است. اخوان؛ به مفردات عربی اکتفا نکرده است و گاهی، یک جمله عربی را در بیت گنجانده است. (نقل از بهمنی مطلق و پورنامداریان، ۱۴:۱۳۹۱)

این را که اعور است، گر اعمی است، عین
و آن را که اخرس است طلیق اللسان نهند (۱۵۶/۱)
صیت بلغ المظفر اندازم (۱۱۲/۱)

مانند منادیان به دوزخ در

ب: واژگان محاوره و کوچه‌بازاری

یکی از ویژگی‌های زبانی اخوان، استفاده از زبان محاوره‌ای است که کمابیش بعضی از شاعران معاصر از آن استفاده کرده‌اند. این ویژگی، شعر او را بسیار صمیمی و عامه‌پسند می‌کند.

صد قافله رفتند به مقصود رسیدند
ما این خرک لنگ جویی نجهاندیم (۷۴/۱)
دانی تو خود، خدایا نپسندم
رسوا شترسواری دولتا را (۱۲۵۲/۲)

دمت گرم و سرت خوش باد / سلامم را تو پاسخ گوی / در بگشای. (۳۷۵/۱)



ج- واژگان فارسی باستان

باستان‌گرایی یا آرکائیسم (archaism) یعنی «ادامه حیات زبان گذشته در خلال زبان اکنون» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۲۴۰) که در اشعار اخوان بسامد بالایی دارد، افزون بر تشخیص زبان، سبب خلق لحن حماسی می‌شود. یکی از بارزترین ویژگی‌های شعر اخوان، کاربرد عناصر زبانی کهن در اشعار اوست.

مگر آهش، -سیاه و سرد، این آمیغِ دود و درد - بپیماید ره آزادی افلاک، زندانی. (۸۳۷/۱)

از آن واژگون پر غزمِ خمش، حبه‌ای بیرون نمی‌ریزد. (۶۴۱/۱)

ج - واژگان غنائی

اخوان ثالث به تغنیات، نظر خاص دارد و از بُن، بر آن است که «شعر به معنی خاص، همان تغنی مألوف و مأنوس باشد، همان سر و سرود شناخته، .. همان جاری مترنم ارواح و قرایح موزون.» (اخوان ثالث، ۱۳۷۸: ۲)

ساقی اندر گلشن میخانه هر جا گفت: بنشین
بزم رندان است این، پایین و بالایی ندارد (۳۲/۱)
من کشم آه، که دشنام بر آن بزم که وی
نـدهد نُقل به من، من ندهم جام به او (۴۷۹/۱)

ح - واژگان حماسی

فراوانی اشارات اخوان به شخصیت‌ها و داستان‌های حماسی و اساطیری شاهنامه به همراه لحن حماسی و بیان روایی او در بسیاری از اشعارش، بیانگر علاقه و دل‌بستگی او به فردوسی و سبک شاعری اوست. شعر اخوان مانند فردوسی سرشار از عشق به این سرزمین است. «حماسه، شعر مبارزه و پیروزی است، نه ناله و شکست. اخوان به اعتبار تجربه بیرونی مجبور است شعر ناله و شکست بسراید؛ اما دنیای درونش دنیای مبارزه و شکست‌ناپذیری است. تنها می‌توان او را از دیدگاه سیاست شاعر شکست‌ناامید از دیدگاه شعرا، اخوان بی‌گمان از بزرگ‌ترین شاعران پیروزی است.» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۸۶)

در صف میارزان کـرُوبی بس سر به سنان و خنجر اندازم (۱۱۱/۱)
رسد کاسفندیار این رستمی کیش ز تیغ و تیغ از کبرم شناسد (۱۳۶۶/۲)



خ- واژگان تلمیحی

اخوان، یکی از پر تلمیح ترین شاعران معاصر است، در آثار او؛ شمار تلمیحاتی که رنگ ایرانی دارد، (بخصوص تلمیحات ایرانی قبل از اسلام) بیش از سایر تلمیحات است

کاوه‌ای پیدا نخواهد شد امید، کاشکی اسکندری پیدا شود. (۴۷۶/۱)

*پور دستان جان ز چاه نابردار در نخواهد برد، مُرد، مُرد، او مُرد، داستان پور فرخزاد را سر کن. (۵۱۷/۱)

د- واژگان دینی و مذهبی

اصل بنای کعبه و قدس آجر و گل است بیت المقدسی ست اگر، کعبه دل است (۱۷۹۲/۲)

سحر زلفش به دست آمد مرا شب گم شد از دستم شب قدری، نصیبم شد ولی قدرش ندانستم (۵۵/۱)

اگر موبد ستودن اورمزد و ایزدانش را به گائها سرودن پیش آتش با پیامی خوش (۱۲۸۸/۲)

یزدان شناس قدر شناسد نیک کالای مزدیسنا و یسنا را (۱۲۵۳/۲)

۴-۱-۱-۴- ترکیبات عطفی

زندگی با ماجراهای فراوانش، تاروپود هیچی و پوچی هماهنگ است؟ (۱۰۵۵/۲)

بار دیگر جدّ و جهد و کندوکاوت، جزم، از مسیر دیگری راهیت بگشاید. (۱۰۲۱/۲)

۴-۱-۱-۵- اتباع

صاف سازی فی المثل از پارگینی چوله و چاله، با کجک بیل و مَجک ماله (۱۷۳۸/۲)

کو ببیند، این دعا را مادرم آورده از قزوین...- کاغذی را پُر خط کج مَج نشان داد. (۱۰۱۷/۲)

۴-۱-۱-۶- نام آوا



نام آوا در زبان‌شناسی به واژه‌هایی گفته می‌شود که از صداها یا موجود در طبیعت تقلید شده‌اند.

صدایی نیست آلا پت پت رنجور شمعی در جوار مرگ. (۴۱۶/۱)

هر چه در آن بوده افتاده بود و باز می‌افتاد / فخ و فوخ و تق و توقی کرد. (۵۹۷/۱)

۴-۱-۱-۲- اعلام (اسامی خاص)

زقانون عرب، درمان مجو، دریاب اشارتم / نجات قوم خود را من، شفای دیگری دارم (۸۰۲/۱)

گفت و گو از حافظ و فردوسی و خیام / هم ز پارینه، هم این ایام، / از بهار و عشقی و نیما، گاه کافی بود یک ایما (۱۶۷۹/۲)

۴-۱-۱-۸- ترکیب‌سازی

« ترکیب‌سازی‌هایی که در شعر اخوان ثالث، موجب برجستگی زبان شعر او شده است در دودسته جا می‌گیرند: گروه‌های اسمی و گروه‌های وصفی. اخوان با تسلط هنرمندانه خود ترکیباتی را پدید آورده است که ساختار آن‌ها، یادآور ترکیب‌های حماسی و باصلابت سبک خراسانی است » (صمصام، ۱۳۸۴: ۱۲)

* در آن مه‌گون فضای خلوت افسانگی‌شان، راه می‌پویند (۴۱۳/۱)

* مسیحای جوانمرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین! (۳۷۱/۱)

۴-۱-۲- سطح آوایی :

« تکرار آوایی می‌تواند یک واج، چند واج درون یک هجا، کل هجا، و توالی چند هجا را شامل شود. » (صفوی، ۱۳۷۵، ۱۶۷:۱)

۴-۱-۲-۱- هم‌صدایی :

تکرار واج (د) (۱۱ بار)

صبحی می‌کنم هر صبحدم، هر چند باشد زود دریغ این دولتی دور است و آید دیر در دستم (۱۲۱۵/۲)

هم‌صدایی مصوت کوتاه (—)

(۸۹۰/۱)

سلام ای لحظه‌های خوب سرشار از جمیل جاری هستی



تکرار مصوّت بلند (۱) (۱۱ بار)

من و این باغ بهاری، که ندادی تو خدایا من و این نقش و نگاری، که ندادی تو خدایا (۱۱۷۹/۲)

تکرار واج (ک)

دگر بر خاک یا افلاک روی جاده نمناک؛ (۶۱۹/۱)

گاهی دو حرف یا سه حرف به صورت صوت یا قسمتی از کلمه در بیت تکرار می‌شود و باعث ایجاد موسیقی در بیت می‌گردد.

نادر از هند نبرد، آنچه تو بردی ز دلم که تو مهری و مهاری و مهارت کردی (۱۷۴۳/۲)

تکرار کلّ هجا

جار زَم جار زَم ، جار به بازار زَم خود تو بین جار من و رونق بازار و مرو (۱۲۳۵/۲)

ما به هست آلوده‌ایم، آری/ همچنان هستان هست و بودگان بوده‌ایم ای مرد/ نه، چو آن هستان اینک جاودانی نیست. (۴۲۱/ ۱)

۴- ۱- ۲- تنوع قالب و وزن

«از نظر قالب شعری و کیفیت به کارگیری وزن و قافیه، اخوان در اشعار نوی خود کاملاً متأثر از نیماست. اصولاً اخوان بزرگ‌ترین مفسر و مروج شعر نیمایی است و دو کتاب «بدایع و بدعت‌های نیما یوشیج» و «عطا و لقای نیما یوشیج» بیش از هر اثر دیگری در معرفی علمی و روشمند شیوه نیما موثر بوده است. از این جهت می‌توان گفت که حقی که اخوان به گردن نیما دارد، از حقی که نیما به گردن اخوان دارد، کمتر نیست.» (حسین پورجافی، ۱۳۸۷: ۲۴۶)

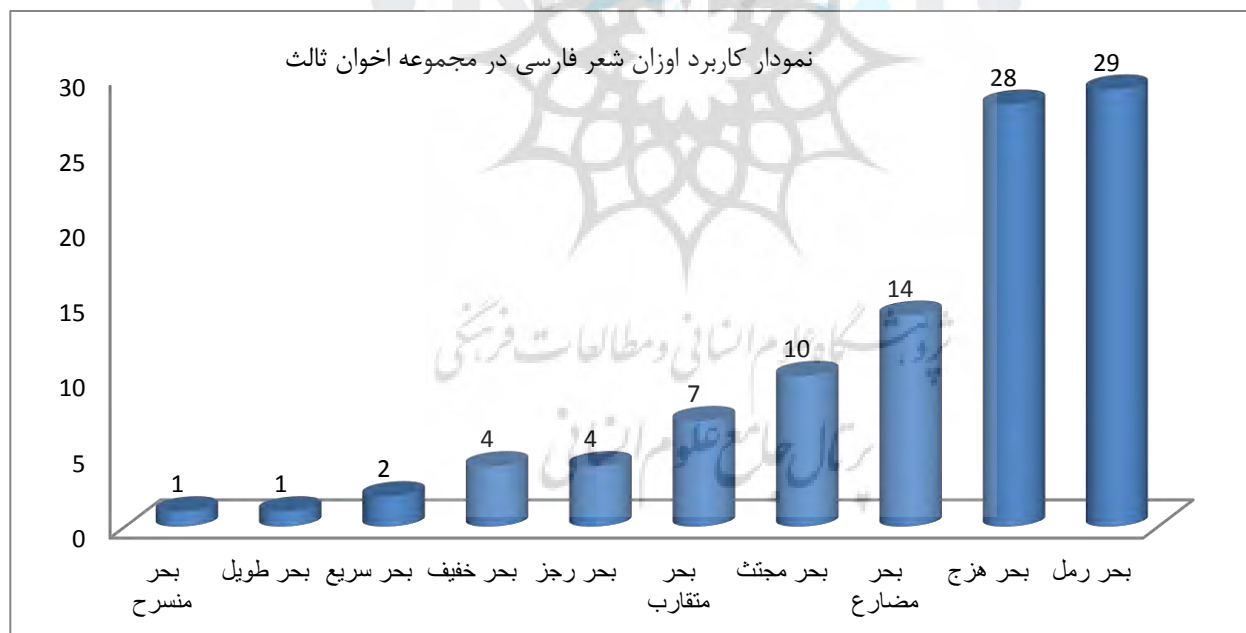
شفیعی کدکنی درباره اوزان شعری اخوان می‌گوید: بسیاری وزن‌هاست که اخوان به شعر زبان فارسی اضافه کرده است؛ «وزن غزل ۳» در این غزل اخوان، «رجز» را با «رمل» و «مقارب» در آمیخته است. در آمیختن اوزانی که به هم راه دارد و قابل پیوند و ترکیب‌اند؛ مورد توجه اخوان بوده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۳)

بیشتر وزن‌هایی که اخوان ثالث؛ در سروده‌های نوی خویش به کار گرفته در بحر هزج و رمل، یعنی مفاعیلن وفاعلاتن است و در سروده‌های سنتی؛ غالباً بحر هزج مثنی سالم، که از چهار بار تکرار مفاعیلن، پدید می‌آید و بحر رجز مثنی سالم، که از چهار بار تکرار مستفعلن پدید می‌آید و نیز، بحر رجز مثنی مطوی که از چهار بار تکرار مفتعلن



پدید می‌آید. بحور هزج و رمل، بحوری آرام هستند که بی شک با خصوصیات اخلاقی ملایم و پیرانه و آرام آرام سخن گفتن ایشان تناسب و تطابق دارند. همچنین با موضوع توصیفی و روایی اکثر اشعار ایشان تناسب زیادی دارند. اینک نمونه‌هایی از این اوزان:

هرگز فراموشم نخواهد گشت هرگز	آن شب که عالم عالم لطف و صفا بود (۲۸۷/۱)
مستفعلن، مستفعلن، فع: بحر رَجَز مسدس محذوف	
با نوازش‌های لحنِ مرغکی بیداردل	بامدادان دور شد از چشم من جادوی خواب (۲۹۳/۱)
فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن، بحر رمل مَثْمَن محذوف	
سیاهی از درون کاهدودِ پشت دریاها	برآمد، با نگاهی حيله گر، با اشکی آویزان (۳۱۹/۱)
مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، بحر هزج مَثْمَن سالم	



۴-۱-۳- سطح نحوی

در میان نوسرایان، اخوان ثالث بیش از دیگران به مطالعه در آثار کهن زبان و ادب فارسی پرداخته است و نشانه‌های اشراف و دل‌بستگی او به ادبیات کلاسیک، در تمام آثار او به چشم می‌خورد؛ در حقیقت اخوان، هم در قالب‌های کهن فارسی، همچون قصیده و غزل و هم در سبک نو نیمایی، از اسلوب و شیوه قدما خصوصاً از سبک و زبان خراسانی بهره فراوان برده است.



الف کثرت :

آن گاه دگـر بـسا دلا با دل آنگاه دگـر بـسا، لبا بر لب (۶۴۹/۱)

الف دعایی :

بشکنادم کلک حنظل پاش، / و آنگاه این چنین در ساغرِ شاباش / بر من این ناساز خوانی را ببخشایاد (۱۱۳۸/۲)
تو مانی و مانـ_____اد دست و دلت چو خون گرم و عمرت خوش و پایدار (۱۳۸۴/۲)

به در معنی مثل:

همه شاعران تو و آثارشان را به پاکی نسیم سحر دوست دارم (۱۲۹۳/۲)

(۵) تعریف (در زبان محاوره)

با همان لبخنده مانوس، (۱۰۵۴/۲)

یک دو پیمانۀ از آن تلخ، از آن مرگابه / زهر مارم می کردم (۹۰۲/۱)

(۱ا) به جای حرف اضافه

من نو سفر و بی خبر و طفل رهم ای پیر، خدا را به خودم وامگذار (۱۷۶۹/۲)

رقص ضمیر:

بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید. (۸۶۰/۱)

بی خبر بود و نبودش اعتنا با خویش. (۸۶۰/۱)

مصدر در معنی صفت :

کم زند چنگم به دل از بس وقار لیک از جان دوستش دارد دلم (۱۳۹۸/۲)

رای فک اضافه:

خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان ... (۸۵۹/۱)

و مایا! هرگز آیا می تواند بود، / که برایشان بسوزد آسمان را دل، (۸۷۴/۱)

دو حرف اضافه برای یک متمم



توهم خورشید پنهان! کاش گاهی می درخشیدی / و می دیدی چه بدهایی، سیه دل ناجوانمردان، به ما مردم روا دانند
(۱۶۸۴/۲)

در ظلّ بوالحسنم، هشتم امام همام حبل المتین درش ملجای معتصمان (۱۷۵۲/۲)

۴-۲-۴- قرآن و حدیث در شعر اخوان

اولین قطعه ای که اخوان در عنفوان جوانی، برای خوشحالی پدر به آقای افتخار الحکمای شاهرودی نوشته بودند؛ در حمد و توحید بوده است؛ به طوری که مقدمه شعر و شاعری او و نخستین مجوز رسمی برای پیمودن این راه از سوی والدینش محسوب می شد.

گنه ار به غایت رسید، مشو از خدا ناامید دهدت به قرآن نوید؛ وهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۱۵۲۸/۲)

نه شعر و نه سحر است این، فرمود رب العالمین «قُلْ إِنْ رَّبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ، عَلَامُ الْغُيُوبِ (۱۵۳۰/۲)»
جمله تکبیر گویان سرودند: «رَبَّنَا اللَّهُ، تُمَّ اسْتَقَامُوا» (۱۵۳۵/۲)

۴-۲-۵- عشق مجازی

در شعر اخوان، بازتاب عشق مجازی به طور کامل مشهود است؛ «وقتی در مصاحبه‌ای از اخوان پرسیدند: نقش عشق در شعر شما چیست؟ جواب داد: تمامت نقش به عهده عشق است، تا عشق نباشد هیچ کار هنری، هیچ شعری به وجود نمی آید. در هنگام تغنی و سرایش این.» (اخوان ثالث، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

اگر روزم پریشان شد، فدای تاری از زلفش که هر شب با خیالش خواب‌های دیگری (۱۲۹۵/۲)

ماهی که ز مهرش دل من در تب و تاب است دارم (۱۱۸۰/۲)

ماننده تراز گل به گل، از آب به آب است

۴-۲-۶- ادبیات تعلیمی

« بیداری مردم، ماحصل شعور و آگاهی اجتماعی است که بر اثر تقابل به دست می آید. شعر سیاسی؛ متفکرانه تر از شعر چریکی است و جنبه تعلیمی آن ماندگارتر است.» (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۸)

با اینکه اشعار اخوان ثالث بیشتر به قصد تعلیم نیست؛ اما ناخودآگاه در لابلای اشعارش مضامین تعلیمی دیده می شود.

چرا کشتن، ستم کردن، چرا هم نوع آزرده؟ تو اشکت بر زمین جاری و من تا آسمان آمهم (۱۲۲۱/۲)

بیا هم را نیازاریم با «من بر حقم» گفتن که زردشت این چنین فرمود، مریم زاده عیسا را (۱۲۲۰/۲)

الا ای بر بساط می نشسته نمی دانی که بر آتش نشستی (۱۸۸/۱)



۴-۲-۷- آشنایی با ادبیات جهان

اخوان در تمام طول زندگی حتی برای یکبار نیز به خارج سفر نکرده بود ولی در سال پایانی عمر خود از طرف خانه فرهنگ معاصر آلمان دعوت شد. در این سفر به فرانسه، انگلیس، آلمان، دانمارک و سوئد و نروژ رفت. شعر خواند و از سوی فرهنگ دوستان ایرانی مورد استقبال قرار گرفت.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۲۴۸)

- لنین و مارکس را بگذار و بگذر زهر بیگانه حتی ماتسه تون (۱۴۱۳/۲)
 «خدا مرده ست» گوید نیچه، اما ندانم این سخن را از خطا به (۱۳۰۱/۲)
 کاش می شد که نباشیم (چو نیکان هئود) نان به خون خدمه‌ی بیگنه آغشته خوران (۱۴۰۹/۲)

۴-۲-۸- بث الشکوی یا شکایت از زمانه و اهل زمان

«اخوان را می توان «اسطوره پرداز یاس و شکست تاریخی» دانست. او همانند رندان تاریخ، پشت به دنیای امروز، به جهان آرمانی دیروز روی آورد و بر شکست آرمان‌های تاریخی - اجتماعی خود وهم نسلانش، همچون «لولی وشی مغموم» طنز اما تلخ گریست، دشنام داد و گاه پوزخند زد.» (روزبه، ۱۳۸۶: ۱۸۹)

- نه پروازی، نه آب ودانه ای، نه شوق پروازی به دام زندگی «امید» گویی مرغ تصویرم (۱۲۱۶/۲)
 باز همان صبح بد و حال بد مرگ بر این بخت و بر اقبال بد (۱۱۸۸/۲)

۴-۲-۹- خودستایی

- من آنم که از شعر من اختران به بر، نقش ابداع و صنعت زنند (۱۷۵۹/۲)
 شعر می گویم چو روح باده، چون خون خدا وز زر سرخ جنون، بی غلّ و غش سرمایه‌ام (۱۲۱۴/۲)

۴-۲-۱۰- علاقه به وطن و زبان مادری

«اخوان ثالث از شاعران سرسخت سیاسی دوران سیاه پهلوی است که هم چون فردوسی بزرگ، عاشق وطن، اساطیر،

رؤیاهای، قهرمانان و جنبش‌های ناب ایرانی است.» (کاخچی، ۱۳۷۹: ۸۵)

- زیوج جهان، هیچ اگر دوست دارم ترا، ای کهن بسوم و بر دوست دارم (۱۲۹۲/۲)
 عشق و ایمانم به ایران درد و گیتی هم ننگند نیست رطلی در انیران سنجد این پیمان‌های هم (۱۲۲۱/۲)

۴-۲-۱۱- اطلاعات عمومی، تاریخی و ادبی



«وضع زندگی هر شاعر و محیط اجتماعی و اطلاعات و معلومات وی، بی‌شک در شعرش اثری بر جای می‌گذارد، اطلاعات علمی شاعر جای‌جای در شعرش تجلی می‌کند.» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۲۵۲)

- ملک ایران نوین، این روزها دارد دو حزب
گرچه با احزاب مردم را تفاهم نیست. هست؟ (۱۳۵۳/۲)
- با می نابِ مغان، در خُمِ خِیام، امید
خیز و جمشید شو از جامِ سفالینه من (۱۲۳۳/۲)
- ازبهر قبطیان زچه رو خــــون کرد
نیــــلِ جلیــــل، سفلی و علیا را (۱۲۵۶/۲)

۴-۲-۱۲- اشعار مناسبتی

جنگ با صدام

کیست کاین غدار عالی جاه را گوید ز من
کاین جهان دیده ست بس، پیش از تو عالی جاه را (۱۱۷۷/۲)

در وصف رزمندگان

ای دلیران وطن، با زنده‌باد ایران به پیش!
شورِ ایمانتان فزون‌تر باد و زور از شیرها (۱۲۶۶/۲)

این دغل‌دونان دشمن را برانید از وطن
با قوی‌تر رزم‌ها و برترین تدبیرها (۱۲۶۷/۲)

برای شهیدان

این شهیدان نامشان تا جاودان پاینده است
زیرها بس گر زبر گردد زیرها زیرها (۱۲۶۶/۲)

۴-۲-۱۳- ستایش موسیقی و علاقه به آن

«یک امتیاز برجسته‌ی اخوان، این بود که با شعر کلاسیک آشنایی کامل داشت و قابلیت‌ها و ضعف‌های موسیقایی شعر کلاسیک را به‌خوبی می‌شناخت و علاوه بر این، با تئوری موسیقی هم آشنایی داشت این دو مهارت سبب شده که شعر او به لحاظ موسیقی از اشعار طراز اول معاصر باشد.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۴۳۹)

*ساز تو وحشتناک و غمگین است، / هر پنجه کانجا می خرامانی / بر پرده‌های آشنا با درد، گویی که چنگم در جگر می‌افکنی، این است. (۶۲۱/۱)

*گاهی که بیند زخمه‌ای دمساز و باشد پنجه‌ای همدرد (۶۲۲/۱)

۴-۲-۱۴- توجه به جایگاه زن



در دوره‌ای که توصیف و قدردانی از زن چندان در جامعهٔ مردسالار آن زمان معمول و رایج نبود، اخوان بشهامت تمام زن را ستایش می‌کند و از همسرش نیز به نیکی یاد می‌کند.

هم عشق بی‌پناه است، هم عقل نارسیده (۱۴۲۶/۲)	بی‌زن جهان تباه است، کون و مکان سیاه است
همسر کوشش‌های پیر خوشگلم	خانه را روح بهاری می‌دهد
من تصور کرده بودم کامل (۱۳۹۹/۲)	او زمن بسیار هم کامل تر است

۴-۲-۱۵- تأثیر پذیری از شاعران دیگر

« اخوان در سطوح مختلف زبانی، ادبی، فکری و روایات اساطیری و شگردهای داستان‌پردازی از شاهنامه تأثیر

پذیرفته است. (زمردی و مرشدی، ۱۳۸۹: ۷۲)

هم‌آوا و همدرد و همتاش نیز	من از شهر اویم، شناساش نیز
تو این را ز حیدر بپرس، ای رضا (۱۴۴۳/۲)	که فردوسی‌ام، شیعهٔ مرتضی
کانکه ایجادگر است از کرم وجود تویی (۱۳۱۰/۲)	راست است اینکه جهان خلق نکردی پی سود

مولانا جلال‌الدین بلخی فرموده است:

بلکه تا بر بندگان جودی کنم	من نکردم خلق تا سودی کنم
گل نثری اندر گلستان خویش	چه خوش کاشت شیخ پسندیده کیش
که آید به دست یکی زین دو خوب (۱۷۵۴/۲)	سر مار با دست دشمن بکوب

شیخ سعدی در گلستان، باب هشتم در آداب صحبت فرماید: سر مار، به دست دشمن بکوب که از احدی الحسینین خالی نباشد. (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

۴-۲-۱۶- طنز در شعر اخوان ثالث

« اخوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران سمبولیسم اجتماعی است که با استفاده از طنزی گزنده و تلخ که جنبهٔ

آگاه‌سازی آن بر خنده‌آوری برتری و ارجحیت دارد به بیان ناهنجاری‌های جامعه بی‌روح و استبدادزدهٔ خود

می‌پردازد. (شکری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱)



دختر به شرط چاقو، کمتر به دست آید
اغلب درین زمانه، کالند یا لهیده (۱۴۲۳/۲)

داغ‌پیشانی ویتـیرین نـمـاز
عرق و نشئه، چه رسم است و چه راز (۱۴۴۹/۲)

۴-۲-۱۷ فرهنگ عامیانه در شعر اخوان

بسیاری از شاعران و ادیبان از عناصر فرهنگ عامه به عنوان دست‌مایه‌ای در خلق مضامین و بیان آرای خود بهره برده‌اند و اخوان ثالث بی‌شک یکی از آنهاست.

چون کرم درخت از خود درخت است پس حق شکایت ز کس ندارم (ج ۱۲۱۶/۲)

کار دنیا هم نمی‌ماند به یک سامان در نمی‌گردد به یک پاگرد، یا یک پاشنه، جانم (۱۰۲۶/۲)

۴-۲-۱۸ - حبسیات

«زندانی شدن او بعد از کودتای ۲۸ مرداد و شکنجه او توسط مأموران حکومتی، باعث خلق آثاری چون شاتقی و دخو، دلی غمناک، درین همسایه و... می‌شود.» (نوری، ۱۳۸۷، ۱۴)

همچنین دانم که زندان هرچه یا هر
آخر خط است و خط آخر است انگار (۱۰۰۴/۲)

شب افسرده زندان / شب طولانی پاییز / چو شب‌های دگر دم کرده و غمگین و من خوابم نمی‌آید (۸۴۱/۱)

سیاست دان شناسد کز چه رو من نیز چون مسعود / هراز گاهی مکان در قصر و نای دیگری دارم. (۸۰۳/۱)

۴-۲-۱۹ مفاهیم مجرد و انتزاعی: در شعر اخوان ثالث، بیشتر سمبل‌های مربوط به «زرتشت» و عناصر مربوط به آن و پهلوانان و قهرمانان و عناصری که در ارتباط با فرهنگ ایرانی است، دیده می‌شود. این نمادها در جهت روشن کردن افکار و مفاهیم انتزاعی ذهن شاعر باید بررسی گردد.

* و گاهی تیغه‌های آبی اعماق / و پولک‌های روزن‌ها / و جنبش‌های نامحسوس آرامش (۸۷۹/۱)

* اژدها عفریته‌ای، منحوس / روبهی مگار و محتال است (۱۰۴۷/۲)

* گرچه باشی در حسیضی محض / و سکون سنگ ساحل را تقلا و تلاش موج می‌بخشد. (۹۷۱/۲)

۴-۲-۲۰ - مضامین اجتماعی

«اخوان یکی از بزرگترین شاعران سمبولیسم اجتماعی است که در قالب زبان نمادین و رمزی اشعار خود را آینه تمام نمای مسائل اجتماعی و سیاسی و وطنش قرار داد، او شاعری است در خدمت اجتماع و هدفش بیان مشکلات کلی جامعه



ایران و مسائل اجتماعی است که با استفاده از زبان رمز به ترسیم فضای جامعه خود می‌پردازد. طرح مسائلی چون آرزوهای تحقق نیافته‌ی مردم و آزادی و وصف معایبی چون فقر و جهل و ظلم و ستم که دامن گیر هم‌وطنانش شده است درون‌مایه و چهارچوب اصلی اشعار او را تشکیل می‌دهد و گاهی از سر ملاحظه به جهت شرایط حاکم بر جامعه و خفقان آن بایمان نمادین به نقد اوضاع اجتماع و مردمانش می‌پردازد و با استفاده از طنزی گزنده و تلخ که جنبه آگاه‌سازی آن بر خنده‌آوری برتری و ارجحیت دارد به بیان ناهنجاری‌های جامعه بی‌روح و استبداد زده خود می‌پردازد. (شکری، ۱۳۹۵: ۱)

داغ پیشانی ویتیرین نماز عرق و نشئه، چه رسم است و چه راز
احتکار و دغل و دوز و کلک مانده حیران ز تو شیطان و ملک
می‌کشد با درد از اعماق جگر فریاد/ از مسلمان بر مسلمان این بد و بیداد (ج ۲/۱۶۳۳)
کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را/ نگه جز پیش پا را دید نتواند/ که ره تاریک و لغزان است.
(۳۷۶/۱)

۴-۳- سطح ادبی: (صنایع بدیعی)

« سخن‌سنجان و پژوهندگان ادب، فن زیباشناسی سخن را بر سه بخش کرده‌اند و بر سه پایه نهاده‌اند: ۱- معانی ۲- بیان ۳- بدیع.

بدیع لفظی: آن است که زینت و زیبایی کلام وابسته به الفاظ باشد، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر بدهیم آن حسن زایل گردد. مانند سجع، جناس، واج آرایی، اشتقاق، موازنه، ترصیع و ... بدیع معنوی، آن است که حسن و تزئین کلام؛ مربوط به معنی باشد نه به لفظ، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم، باز آن حسن، باقی بماند. (همایی، ۱۳۷۳: ۳۸)

اینک در زیر، نمونه‌هایی از بدیع لفظی (جناس و انواع آن) را از مجموعه اشعار اخوان ثالث، یادآور می‌شویم:

۴-۳-۱- موازنه:

« نوعی از سجع متوازن است که در قرینه‌های نظم یا نثر، از اول تا آخر، کلماتی بیاورند که هر کدام با قرینه‌های خود در وزن یکی و در حرف روی مختلف باشند. (همان: ۴۳)

نه خویشی، نه یاری، نه عیشی، نه عشقی نه وجدی، نه حالی، نه جسمی، نه جانی (۱۳۰/۱)

۴-۳-۲- ایهام در شعر اخوان:



*خامش ای آوازخوان! خامش / در کدامین پرده می گویی /وز کدامین شور یا بیدار؟/ با کدامین دل نشین گلبانگ، می خواهی /این شکسته خاطر پژمرده را از غم کنی آزاد(۱/۵۶۴)

-واژه پرده، دو معنی دارد: حجاب - اصطلاح موسیقی -واژه شور، دو معنی دارد: هیجان - دستگاه موسیقی

ایهام تناسب:

ببند یک نفس ای آسمان دریچه صبح
بر آفتاب که امشب خوش است با قمرم (۱/۶۸)

- واژه قمر استعاره از معشوق است ولی در اینجا با آفتاب تناسب دارد.

۴-۳-۳- پارادوکس یا متناقض نما:

آن است که سخن به ظاهر متناقض و محال باشد، ولی این امر ناممکن به شکلی هنری توجیه شود آنگاه محال نخواهد بود. و اینک نمونه هایی از مجموعه های شعر اخوان:

ساز او باران سرودش باد / جامه اش شولای عریانی ست. (۱/۴۲۳)
دیربست نشسته، خاموش و گویا. (۱/۶۴۹)

۴-۳-۴- حس آمیزی:

حس آمیزی آمیختن دو یا چند حس است به گونه ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر سخن بیفزاید.

*بوی را گر چه نینند، شنیدم شونند بوی بد ز آنچه در آنیم و در آنی بینم (۲/۱۴۰۳)
*می نیوشد گوشششان، در خواب پیش از ظهر / جیغ سبز و سرخ یا اغلب بنفش خواب بعد از ظهر (۱/۸۵۷)

دانش بیان، در چهار زمینه تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه در اشعار شاعر به کاررفته است که به دلیل پرهیز از اطناب، بخش مجاز و کنایه در این بخش ذکر نشدند.

۴-۳-۵- تشبیه و اقسام آن:

تشبیه ملفوف:

«تشبیهی است که چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه های هر کدام به ترتیب جداگانه گفته شود. پس این گونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی لف و نشر است.

باد سحر خوش تر است از نفس صبح
چون زر و سیم اند این دو در بر هشیار (۱/۱۶۲)



مشبه‌ها، باد سحر و نفس صبح است و مشبه به‌ها، به طریق لف و نشر مرتب؛ زر و سیم است.
* آن چنان در اوج و سر در ابر افسانه / که به جنبش قصه دیوار چین و سد اسکندر / کاخسازى عنكبوت و خاکبازى
کودکان را بیشتر ماند. (۱۶۱۵/۲)

مشبه‌ها: دیوار چین و سد اسکندر / مشبه به‌ها: کاخسازى عنكبوت و خاکبازى کودکان

تشبیه مفروق:

« آن است که چند مشبه و مشبه به آورده شود هر مشبه با مشبه به خود. » (داد، ۱۳۷۸: ۷۵)

* آسمان پیداست / چون یکی برج بلند جادویی، دیوارش از اطلس / پاره‌های ابر، همچون غرفه‌های برج
و آن کبوترهای پران در فضای برج / مثل چشمک زن چراغی چند مهتابی (۵۰۶/۱)
- آسمان به برج جادویی / ابر به غرفه / کبوتر به چشمک زن تشبیه شده است.

تشبیه جمع «آن است که برای یک مشبه، چند مشبه به می‌آورند.» (داد، ۱۳۷۸: ۱۳۳)

* منم من، میهمان هر شب لولی و ش مغموم / منم من، سنگ تپاخورده رنجور / منم دشنام پست آفرینش، نغمه ناجور
(۳۷۱/۱)

- شاعر به لولی / سنگ تپاخورده / دشنام / نغمه تشبیه شده است.

تشبیه مضمیر: آن است که گوینده چیزی را به چیزی تشبیه کند ولی در ظاهر نشان دهد که مقصودش تشبیه نیست.

* جنگل غنوده باز در اعماق ژرف شب / گوشش نمی‌نیوشد و چشمش نمی‌پرد / سبز پری به دامن دیو سیاه به خواب
خونین فسانه‌ها را از یاد می‌برد. (۴۵۵/۱)

- جنگل به پری سبز رنگ و شب به دیو سیاه تشبیه شده است.

تشبیه تفضیل:

«آن است که شاعر مشبه را به مشبه به مانند می‌کند اما آن را به نوعی بر مشبه به برتری می‌دهد» (علوی مقدم و اشرف

زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

* در افسانه مغزی هست، گاهی مغز نغزی هست / به کرداری که در یک ذره صد خورشید، شاید توانا تر (۱۷۲۰/۲)

- ترجیح و برتری تأثیر افسانه بر تأثیر خورشید.

* لعبتی آن سوی دریایی... چون عروسک، لیک جان دارد. (۱۶۸۰/۲)

- تشبیه و رجحان یار بر عروسک.

تشبیه مشروط: «شبهات بین مشبه و مشبه به در گرو شرطی است که آن را ذکر می‌کنند. ادات شرط معمولاً اگر (گر)

است.» (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۰)



ابر در بسیار بخشیدن، کمی همچون تو بود
گر گشاده روی و خندان بود و دستش زر نثار (۱۵۱۵/۲)

- تشبیه ابر به یار اگر گشاده رو باشد.

تشبیه حروفی: «در این نوع تشبیه معمولاً، حروف مشبه به واقع می شوند.» (تجلیل، ۱۳۶۸: ۸۵)

با الف قامتان هیچ‌نادر شد قدم دال و موتلف نشدم (۱۲۱۵/۲)
آوخ که زیر بارِ غمانم خمید الف مثابه میمی (۱۲۸/۱)

۴-۳-۷- **استعاره ۵:** «استعاره تشبیهی است که از ارکان آن فقط مشبه به را ذکر نموده و باقی را حذف کرده‌اند.»
(رجایی، ۱۳۹۰: ۱۸۰)

استعاره مصرّحه، استعاره‌ای است که در آن مشبه حذف و مشبه به آورده می‌شود که خود دارای اقسامی است:
الف - استعاره مصرّحه مجرّده: فرمول آن: مشبه به + ملائمت (صفات) مشبه.

شگرف است و افسانگی کار او شگفت آفرین، کاخ ستوار او (۱۴۴۲/۲)

- کاخ استعاره از شاهنامه / استواری و افسانگی، از ملائمت آن.

پس از پاسی دو از خاور برآید حرم بانوی شب هودج نشینا (۱۲۶۲/۲)

- حرم بانوی شب: استعاره از ماه / خاور و پاسی از شب، ملائمت مشبه.

ج - استعاره مصرّحه مطلقه

فرمول آن: مشبه + ملائمت مشبه به و مشبه

مهری به حدّ و کابین، خوب و خوش و به آیین یا رب مبارکش باد این بدر نو دمیده (۱۴۲۴/۲)

- بدر: استعاره از یار و از ملائمت آن: مهری به حد و کابین است. ونو دمیده از ملائمت بدر است

د- استعاره مکنیه

«آنگاه که تشبیهی در ذهن و خیال گوینده، پنهان باشد، اما لفظ مشبه را ذکر کند و مشبه به را حذف نماید، و یکی از

لوازم مشبه به را ذکر کند و به مشبه اسناد دهد.» (علوی مقدّم و اشرف زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۱)



الف - به صورت اضافه که به آن در دستور زبان، اضافه استعاری می گویند.

و آن طرف کوه سترگ بر سرش چادر پاکیزه برف (۱۶۲۲/۲)

* نفی دیگر به ریش عرش و بر آیین این ایام! (۱/۶۱۸)

ب - به صورت غیر اضافی که در آن بین مکنی و تخیلیه فاصله است.

باد بر سطح زمین گیسو پریشیده / می خزید و بر سر خود خاک می پاشید پرتشویش. (۱۶۳۲/۲)

یا رب دل من عکس ترا قاب گرفته ست جان روح مه و مهر جهان تاب گرفته ست (۱۷۷۸/۲)

اخوان در سرودن اشعارش به این توجه نمی کند که از کدام آرایه بدیعی یا بیانی استفاده کند تا شعرش زیاتر شود؛ بلکه چنان بیان و بدیع و تصویرسازی، طبیعی و بدون تکلف در شعرش جاری می شود که ناخودآگاه مخاطب از شنیدن آن مسرور می گردد. با توجه به نمونه هایی که ذکر شد، تقریباً با همه این ظرایف ادبی آشنایی دارد و هر جا که کلام نیاز به تخیل دارد از تخیلات ادبی بهره می گیرد. هدف شاعر، بیشتر بیان احساسات و تأثیر کلام است و با توجه به مضامین اجتماعی و سیاسی موجود در اشعارش، پرداختن به زیبایی های لفظی و معنوی، مثل: نظامی، سعدی و حافظ، جزو اهداف اصلی او نیست و ارائه آمار دقیق از صنایع بدیعی یا بیانی و بسامد آنها در شعرش بسیار کار دشواری است.

یادداشت ها: تمامی ابیات و اشعار اخوان ثالث از مجموعه اشعار ایشان انتخاب شده است و برای پرهیز از اطناب و تکرار، در داخل پرانتز، در سمت راست، شماره جلد و در سمت چپ، شماره صفحه مورد نظر آمده است.

۵- نتیجه گیری

سبک شناسی، یکی از شاخه های مهم و اساسی در پژوهش آثار ادبی به شمار می آید و در حقیقت، حلقه پیوندی است بین دانش های ادبی و زبانی، و تنها از رهگذر پژوهش های سبک شناسی است که ارزش و نقش موثر آثار بزرگان شعر و ادب تفسیر و آشکار می شود. پس از بررسی «مجموعه اشعار مهدی اخوان ثالث» در سطوح مختلف زبانی، فکری و ادبی به نتایج علمی حاصل از این پژوهش به طور کوتاه و فشرده اشاره می شود:

۱- با توجه به علاقه وافر شاعر به ادبیات کهن و باستان گرایی وی، بسامد واژگان باستانی و الفاظ اسطوره ای بیشتر از سایر واژگانها بوده است.



۲- واژگان عربی و ابیات ملمع، بندرت در اشعار ایشان دیده می‌شود و میل و علاقه ذاتی شاعر به سوی واژگان اصیل فارسی است و در مواردی که ناگزیر بوده، از کلمات عربی نیز استفاده کرده است.

۳- ترکیب‌سازی‌های بدیع و نو به کرات در شعر اخوان ثالث به کاررفته است که از فکر خلاق و اندیشه توانای شاعر نشئت می‌گیرد.

۴- استفاده از زبان نمادین، در اشعار «م.امید» همچون سایر شاعران معاصر، ناشی از عوامل سیاسی و اجتماعی و استبداد شدید حاکم بر فضای جامعه بوده است که با آفرینش ابهام هنری، تأثیر در مخاطب را بیشتر نموده است.

۵- تأثیر سبک خراسانی بر اشعار اخوان، پدیده انکارناپذیری است و بسیاری از مشخصه‌های نحوی سبک خراسانی را به شکل برجسته و شاخص می‌شود در اشعار او یافت.

۶- در بعضی اشعار، استفاده بجا و زیبای اخوان از قالب طنز برای بیان واقعیت‌های اجتماع نمود پیدا کرده است.

۷- زبان اخوان لحن حماسی دارد، او وزن را در خدمت مضمون قرار داده و قالب‌های حماسی و ضربی را برای بیان درد و رنج به کار برده است که نوعی سنت شکنی محسوب می‌گردد.

۸- استفاده زیادی از صنایع بدیعی در شعر نو دارد؛ تلمیح، تکرار، ابهام تناسب و ابهام، جناس تضاد و ... به وفور در مجموعه اشعارش یافت می‌شود.

۹- کاربرد فراوان استعاره‌های مکنیه و مصرحه، نشان می‌دهد که شاعر به ایجاز گویی گرایش چندانی ندارد و تفصیل را که باروح حماسه هم سازگارتر است، بیشتر می‌پسندد و تشبیهات زیبا و ناب او با بسامد بسیار بالایی، ملموس و عینی است.

۱۰- مضامین عشق، اجتماع، مسائل سیاسی و اجتماعی به زیباترین شکل و با زبان نمادین در شعر اخوان به تصویر کشیده شده است.



منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۵۷) **ارزیابی ستا بزده**، تهران: امیرکبیر.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۸) **ناگه غروب کدامین ستاره**، تهران: انتشارات بزرگمهر.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۹۰) **متن کامل ده کتاب شعر**، ج ۱ و ۲، تهران: نشر زمستان.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۸۴) **حریم سایه‌های سبز: مقالات**، تهران: زمستان، مروارید.
- ایران زاده، نعمت‌الله (۱۳۹۰) «**نظریه سبک در ایران**»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب)، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱-۲۰.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۹) **سبک‌شناسی**، تهران: انتشارات زوار.
- بهمنی مطلق، حجت‌الله، پور نامداریان، تقی (۱۳۹۱) «**تاملی در زبان قصاید اخوان ثالث**»، نشریه ادبیات پارسی معاصر، شماره اول، سال دوم، صص ۱-۲۳.
- تجلیل، جلیل (۱۳۷۶) **معانی و بیان**، چاپ ششم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حسین پور جافی، علی (۱۳۸۷) **جریان‌های شعری معاصر**، تهران: امیرکبیر.
- داد، سیما (۱۳۷۵)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، تهران: انتشارات مروارید.
- رجائی، محمدخلیل (۱۳۹۰) **معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع**، دانشگاه شیراز، مرکز نشر.
- روزبه، محمد رضا (۱۳۸۶) **ادبیات معاصر ایران (شعر)**، تهران: نشر روزگار.
- زرقانی، مهدی (۱۳۸۴) **چشم‌انداز شعر معاصر ایران**، تهران: نشر ثالث.
- زمردی، حمیرا، مرشدی، هانیه (۱۳۸۹) «**بررسی تاثیر شاهنامه فردوسی بر آثار مهدی اخوان ثالث در حوزه سبک‌شناسی**»، روایات اساطیری و داستان‌پردازی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب)، سال سوم، شماره ۳، صص: ۷۱-۹۰.
- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۶) **کلیات سعدی**، به تصحیح نظام‌الدین نوری، تهران: انتشارات کتاب آبان.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۶)، «**مبانی سبک‌شناسی شعر**»، فصلنامه ادب پژوهی، شماره ۲، صص ۴۹-۷۶.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) **کلیات سبک‌شناسی**، تهران: انتشارات فردوس.



شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸) **موسیقی شعر**، تهران: نشر آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰) **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: نشر آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱) **حالات و مقامات م. امید**، تهران: انتشارات سخن.

شکری، حمیده، پورالخاص، شکرالله، صلاحی، عسگر (۱۳۹۶) «**بررسی طنز سیاه در آثار مهدی اخوان ثالث**»، **کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات**.

صفوی، کوروش (۱۳۷۵) **از زبان‌شناسی به ادبیات**، جلد اول (نظم) تهران: انتشارات سوره مهر.

صمصام، حمید، شیخ‌زاده، نازنین (۱۳۹۵) «**برجسته‌سازی در شعر اخوان ثالث**»، **ماهنامه دانشگاه آزاد زاهدان**، شماره ۶، صص ۷۰-۴۸.

عاصی، مصطفی، نوبخت، محسن (۱۳۹۰) «**تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آنگاه پس از تندر) رویکردی نقش‌گرا**»، **زبان‌شناخت**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، صص ۶۹-۹۸.

علوی مقدم، محمدرضا اشرف زاده (۱۳۹۰) **معانی و بیان**، تهران: نشر سمت.

کاخی، مرتضی (۱۳۷۹) **باغ بی‌برگی**، تهران: زمستان.

کریمی، فرزاد، غلامحسین زاده، غلامحسین، طاهری، قدرت‌الله (۱۳۹۱) «**سبک‌شناسی روایت در شعر اخوان ثالث** (با تأکید بر نقد روایی نشانه‌ها)»، **کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی**، سال سیزدهم، شماره ۲۴، صص ۴۳-۶۳.

لنگرودی، شمس (۱۳۸۱) **تاریخ تحلیلی شعر نو**، تهران.

نوری، علی‌رضا (۱۳۸۷) «**نگاهی به شعر اجتماعی مهدی اخوان ثالث**»، **فصلنامه علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک**، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۵۱-۱۶۸.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰) **معانی و بیان**، تهران: نشر هما.

یانس، ندا، (۱۳۹۵) «**تأملی در سبک شعر مهدی اخوان ثالث**»، **کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات**، دانشگاه تربیت‌حیدریه، نمایه شده در سیویلیکا.



Stylistic analysis of Akhavan's poems

Mahin zendedel¹

Seyed mahmodreza ghaybi²

Abstract:

Stylistics normally involves the analysis of the linguistic, semantic, and ideological features of a literary text. Mahdi Akhavane Sales, as a prominent figure of the contemporary Persian literature, with piles of knowledge on classic literature, turned to modern poetry, and with his unique poetic style he proved that composing in vain of modern poetry is not due to his inability in following classical poetry. To provide a better understanding of the Khurasani poet's unique achievements, this study conducted a stylistic analysis on his collected poems in linguistic, literary and ideological levels. The study attempted to determine these features along with some concerned examples. Archaism, novelty of allocation, applying symbolic language, being under the impacts of Khurasani style, applying meticulous rhetorical figures and epic tone in poems of this great poet, are the most outstanding conclusions of this survey. Ideological level, linguistic level and literary level of Akhavan's poems has been analyzed in this study.

Key words: Stylistics, Akhavane Sales, Contemporary poetry, Ideological level, Linguistic level, Literary level

1 . Master of Islamic Azad University, Marand Branch, Marand, Iran.// m.zendedel50@gmail.com

2 Assistant Professor of Islamic Azad University, Marand Branch, Marand, Iran.// ma_ghaybi@yahoo.com